

«**شرق**» ادعاهای اخیر مبنی بر ارتباط احیای برجام با ترورهای موجود را در گفت‌وگو با دیاکو حسینی بررسی کرد

برجام زیر سایه امواج الوان



عکس Gettyimages

سیاست ابهام، به سوالات و ابهامات جامعه و رسانه‌ها داخلی جواب دهد. این دو با هم منافاتی ندارند. نه اینکه طوری عمل شود که بگویند دولت رئیسی اهمیتی برای افکار عمومی داخلی در قبال برجام و مذاکرات وین قائل نیست. این شکل از اداره دیپلماسی توسط دولت سیزدهم و تیم مذاکره‌کننده عملا این پیام مخرب را به مردم می‌دهد که مذاکرات وین ارتباطی به آنها ندارد.

● **با همین سیاست ابهام به نظر می‌رسد مذاکرات درگیر کلیدواژه‌ای به نام «تضمین» شده است؛ تضمین بابت خروج سایه از لیست گروه‌های تروریستی، تضمین برای لغو کامل تحریم‌ها و تضمین در خصوص عدم خروج مجدد آمریکا از برجام، اخیراً هم تضمین در حوزه پادمانی؛ در این راستا مرتباً در ادوار مختلف مذاکرات وین رسانه‌های داخلی و خارجی**

از عقب‌نشینی طرف غربی با ایران از این تضمین‌ها گفته‌اند. واقعا در این ابهام و سکوت دیپلماتیک چه بر سر خطوط قرمز و تضمین‌های تهران آمده است؟

من بارها عنوان کرده‌ام اعتقادی به واژه‌ای به نام تضمین در توافقات بین‌المللی ندارم. ضمانت و تضمین در توافقات بین‌المللی بی‌معنی است. تضمین تنها به این معناست که زمانی که طرف مقابل از تعهدات خود تخلف می‌کند، این توازن را برای خود حفظ کنید که متقابلاً شما هم از تعهدات خود تخلف کنید. این تنها معنای ضمانت است؛ بنابراین اگر ما واقعا به دنبال احیای برجام هستیم و سعی داریم رفتار دونالد ترامپ در خروج از برجام دوباره تکرار نشود، باید برجام را به نحوی پیش ببریم که منافع دو طرف به شکل متوازن مانده شود. یعنی کسب منافع تهران و واشنگتن با احیای برجام به‌مراتب بیشتر از هزینه‌های کنار گذاشتن این توافق باشد؛ این نقطه کلیدی برای حفظ برجام است.

● **یک سؤال جزئی، اما مهم ذهن من را درگیر کرده است؛ برخی این گزاره تحلیلی را هم مطرح کرده‌اند که این طرح ادعایی از جانب اتحادیه اروپا در سایه پیش‌نویس متن توافق جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی این اتحادیه اساساً متنی آمریکایی است، نه اروپایی. برای اثبات این ادعا هم به سه دلیل استناد می‌شود؛ نخست اینکه جو بایدن، رئیس‌جمهوری آمریکا ۱۰ مرداد/ یک آوازدهمین پیش از آغاز دهمین نشست بازیمنی بیان‌عده اشاعه هسته‌ای (NPT) گفت: «ما از طریق دیپلماسی و در هماهنگی با متحدان و شرکای اروپایی، پیشنهادی برای بازگشت متقابل به اجرای کامل برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) ارائه دادیم». برخی معتقدند در بیانیه مذکور بایدن اشاره به همین پیش‌نویس بورل است. دوم آنکه وزارت امور خارجه آمریکا پنجشنبه‌شب گذشته مدعی شد آماده بازگشت فوری به توافق هسته‌ای با ایران هستیم که در وین بر سر آن مذاکره شود. این موضع‌گیری نشان می‌دهد که شاید متن توافق از آن خود واشنگتن باشد که این‌گونه حاضر به توافق سریع به تهران هستند و سوم اینکه ذات سیاسی و دیپلماتیک ایالات متحده به‌گونه‌ای است که حاضر به پذیرش و امضای توافقی نیستند که به ابتکار عمل دیگر کشورها، ولو کشورهای اروپایی و اتحادیه اروپا تنظیم شده باشد. در سایه این سه نکته می‌توان این‌گونه استنباط کرد که متن حاضر که اتفاقاً اصرار بسیاری هم بر پذیرش آن از سوی ایران وجود دارد، متنی آمریکایی است؟**

بله من هم این احتمال را می‌دهم که در متن پیش‌نویسی که به نام اتحادیه اروپا و جوزپ بورل تنظیم شده است، آمریکایی‌ها هم به نحوی، حتی مستقیم در نگارش آن دخالت کرده باشند. به‌رحال باید پذیرفت که قطعاً اروپایی‌ها و آمریکا در خصوص طرح‌ها و توافقاتی که پیش می‌برند، با هم اشتراک نظر دارند و رازینی، گفت‌وگو خواهند کرد و هماهنگی‌هایی با هم خواهند داشت. چون اروپا و آمریکا در بیشتر مسائل بین‌المللی به خصوص نوع اعمال محدودیت برای برنامه هسته‌ای ایران تا حد بسیار زیادی شبیه به همدیگر رفتار می‌کنند؛ بنابراین در مجموع می‌توان این گزاره را نزدیک به واقعیت دانست که پیش‌نویس متن جدید که عنوان شده از جانب اتحادیه اروپا و شخص جوزپ بورل است، اساساً با پیشنهاد ایالات متحده مطرح شده باش. اما من معتقدم این طرح نهایی و این پیش‌نویسی که ایران به دنبال بررسی جزئیات آن است، می‌تواند محصول مشترک اروپا و آمریکا باشد، نه یک طرف، حال چه طرف آمریکایی و چه طرف اروپایی. این متن احتمالاً «متن مشترک اروپایی-آمریکایی» است.

آگهی مناقصه عمومی شماره ۲۳-۱۴۰۱					
شهرداری زنجان در نظر دارد نسبت به خرید اقلام قید شده در جدول ذیل از اشخاص حقیقی یاحقوقی اقدام نماید لذا کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد قیمت مناقصه گران و بازگشایی پیشنهادات از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس : www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سامانه مذکور و دریافت گواهی امضا، الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند . تاریخ انتشار مناقصه در سامانه در تاریخ ۲۳ /۱۵/ ۱۴۰ می باشد و مناقصه گران می توانند از تاریخ ۲۳ /۱۵/ ۱۴۰ لغایت ۲۶ /۵ /۱۴۰ جهت دریافت اسناد به سامانه ستاد ایران مراجعه نمایند . اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پیشنهادات ؛ آدرس زنجان ؛ میدان آزادی ،ساختمان شهرداری مرکز و تلفن ؛ ۰۲۴۳۳۳۴۲۲۰۰۳۹۶					
ردیف	عنوان پروژه	برآورد	میزان سپرده شرکت در مناقصه ریال	حداقل رتبه و گرایش مربوطه	
۱-۲۳-۱۴۰۱	خرید دوربین های نظارتی تصویری ،ذخیره ساز و هارد	—	۱/۳۸۵/۸۰۰/۰۰۰	صرفاً شرکت ها و اشخاص حقوقی دارای کد بورسی با زمینه فعالیت در حوزه تهیه و فروش دوربین های نظارت تصویری و یا انواع دوربین های ترافیکی و سایر تجهیزات وابسته با سابقه فروش در سطح کشور	
۲-۲۳-۱۴۰۱	خرید تجهیزات ترافیکی پارکینگ طبقاتی سعدی	—	۵۷۰/۰۰۰/۰۰۰	اشخاص حقیقی وحقوقی تولید و نصب کننده اقلام ترافیکی	

مدیریت ارتباطات و امور بین الملل شهرداری زنجان

● **با استنباط به چه دلیل با دلایلی چنین باوری دارید؛ چون برخلاف واکنش صریح وزارت امور خارجه و شخص سخنگو مبنی بررد این ادعاها به نظر می‌رسد بخشی از فضای سیاسی و رسانه‌ای چندان بی‌میل به اتصال این ترورها به ایران نیست؟**

گروه‌های مقاومت متعددی در کشورهای مختلف مانند آمریکا فعالیت دارند که سردار سلیمانی را دوست داشتند و به او وفادار بودند و با شهادت ایشان هم بسیار متأثر شدند؛ پس قطعاً با اقدام دولت ترامپ برای ترور ایشان به سمت برجام و خون‌خواهی شان خواهند رفت. این یک واکنش و روند طبیعی است؛ اما همان‌گونه که گفتم و دوباره تأکید می‌کنم، وجود این تلاش‌ها برای انتقام لزوماً نمی‌تواند مستقیم به جمهوری اسلامی ایران ارتباط پیدا کند. البته خود آمریکایی‌ها هم صراحتاً عنوان کرده‌اند این ادعاها برای تلاش ایران در راستای ترور بولتون و… هیچ‌گونه مبنای حقوقی، مستند، متقن و قوی ندارد و فقط یک ادعاست. با تمام نکاتی که عنوان شد، ذکر این نکته اهمیت دارد که ایران باید بارها عنوان کند که هیچ ارتباطی به این ترورها ندارد و مسئولیت چنین اتفاقاتی را نخواهد پذیرفت. همان‌گونه که گفته سردار سلیمانی طرفداران بسیار زیادی در گوشه و کنار جهان داشته است، از هند تا شمال آفریقا؛ کاندامپ از این افراد و جریان‌ها امکان دارد تصمیم به انتقام‌جویی بگیرند.

● **در سایه آنچه برای تحلیل این ترورها عنوان شد، دو مسئله بیش‌ازپیش خودنمایی می‌کند؛ اول تأثیر بخشی از سیاست داخلی بر سیاست خارجی و دومین نکته سکوت و ابهام دولت رئیسی در روند مذاکرات است که سبب شده به قول شما هر مسئله با ربط وی‌ریطی مانند این ترورها به احیا برجام گره بخورد. در این راستا هر مسئله با این دو نکته را با شما به شکل عمده‌تری کالبدشکافی کنم. در یک نخست قدری روی تأثیرگذاری سیاست داخلی و موضع‌گیری‌های برخی مقامات کشور بر حوزه دیپلماسی به‌خصوص دیپلماسی برجامی تمرکز کنیم. اگرچه تصمیم‌گیری در حوزه توافق هسته‌ای در اختیار حاکمیت است اما به باور شما برخی اظهارنظرهایی سیاسی و رسانه‌ای داخلی تا چه اندازه می‌تواند روی احیا یا عدم احیای برخی امورات برگردان باشد و باعث شدن این قبیل مسائل (ترورها) به روند مذاکرات گره بخورد؟**

واقعیت امر این است که تأثیر مخرب سیاست داخلی بر سیاست خارجی به‌خصوص در حوزه احیای برجام مسئله تازه‌ای نیست. این روندی بوده است که حتی در دولت روحانی به‌مراتب شدیدتر بی گرفته شد. ادامه آن روند هم در شرایط کنونی که دولت رئیسی روی کار آمده است، مشاهده می‌شود. ما دیدیم که در همین دولت سیزدهم برخی اظهارنظرهای سیاسی و رسانه‌ای داخلی تا چه‌اندازه می‌تواند فضای دیپلماتیک را در ابعاد مختلف به‌ویژه برای احیای برجام سدوم کند. این فضا امروز هم کمیاب‌تر شده‌ام دارد. من معتقدم بخش عمده‌ای از مشکلات دولت رئیسی برای احیای برجام و همچنین این امر در دو حوزه سیاست داخلی به دلیل همان تخریب‌هایی است که در دولت روحانی برای عدم حصول توافق انجام داد؛ به‌رحال آن توپین‌ها، حجم‌ها و حتی فضاسازی‌هایی منفی که علیه دولت سابق و برجام شکل گرفت، اکنون توقعاتی را برای دولت رئیسی به وجود آورده است و همین توقعات سبب شده برخی افراد و رسانه‌ها به‌صراحت مطالبی را مطرح کنند که گویی خبری از احیای برجام و حصول توافق نیست و ایران اولویت قطعی خود را گذرشتن جدی برنامه‌های هسته‌ای قرار داده است؛ انگار-انگار که برجام در سال ۲۰۱۵ هم محصول کل سیستم بود، نه تصمیم شخص روحانی یا ظریف. من تصور این است که مشکلاتی که از زمان دولت روحانی به وجود آمده است، در‌حال‌حاضر بر عملکرد دولت رئیسی در حوزه سیاست خارجی برجامی سایه انداخته است.

● **چرا؟** چون دولت رئیسی در راستای همان جریان تخریبی که برای دولت روحانی، ظریف و برجام شکل گرفت و نهایتاً توقعاتی را برای خود (دولت رئیسی) به وجود آورد، این باور و تصور را دارد که اگر برجام را احیا کند؛ برجامی که محصول چانه‌زنی است و قرار نیست همه ایدئال‌های ایران را محقق کند، اما نهایتاً به از‌دست‌دادن طیف گسترده‌ای از حامیان خود، به‌خصوص حامیان کلیدی‌اش منجر خواهد شد. بر این تصور انرم این است که دولت با یک چالش روانی سیاسی در احیای برجام مواجه است.

● **به چه دلیل چنین باوری دارید؟**

چون من معتقدم سیاست‌های کلی نظام ادامه مذاکرات است اما دولت رئیسی اکنون با برخی جریان‌های حامی خود اصطلاحاً دچار تعارفات سیاسی است. براساس همین تعارفات سیاسی این دولت سعی دارد برای حفظ جریان حامی خود هم که شده، مذاکرات برجام را به یک روند فرسایشی تبدیل کند. البته من معتقدم دولت رئیسی برای حفظ منافع ملی باید این تعارفات را کنار بگذارد و کاملاً صریح رفتار کند. چون این مخالفت‌های جریان حامی رئیسی با احیای برجام ریشه در ناآشنایی با سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی ایران دارد. پس این دولت برای تحقق منافع ملی هم که شده باید به فوریت برجام را با تمام نواقص و انتقاداتی که به آن وجود دارد، احیا کند.
حال بیان پیرو نکته‌ای که در سؤال قبلی عنوان داشتید، من هم معتقدم متأسفانه در صحنه واقعیت، سیاست داخلی بر احیای برجام سایه انداخته است. اگر به واقع بعد از بررسی این متن اروپایی‌ها برجام احیا شود، به نظر من گام مهمی در راستای جداکردن سیاست داخلی از برجام برداشته خواهد شد. چون شکل‌گیری برجام که محصول جریان مستقل، میانه‌رو اصلاح‌طلب بود و احیای آن که توسط یک دولت سولگرا حاصل بود، می‌تواند به حاصل کار مشترک تمام جریان‌های سیاسی داخلی در ایران بدل شود.

● **در گام دوم به سیاست سکوت این دولت در قبال احیای برجام بپردازیم. یکی از مواردی که در طول مذاکرات دولت رئیسی به شکل جدی موردانتقاد، حتی نقد طرفداران این دولت قرار گرفته است، به سکوت رسانه‌ای از طرف باقری‌کنی به‌عنوان مذاکره‌کننده ارشد وکل وزارت امور خارجه بازمی‌گردد. به‌عوازات آن برخی رسانه‌های داخلی عملاً فضاسازی سیاسی و رسانه‌ای برجام به دست گرفته‌اند تا جایی که بسیاری معتقدند همین جریان برای تیم مذاکره‌کننده هم در وین، دوحه و… تعیین تکلیف می‌کند. شما تا چه اندازه این انتقادات به سکوت دیپلماسی عمومی برجامی دولت رئیسی و مهم‌تر از آن، موازی‌کاری‌های رسانه‌ای وابسته به دیگر نهادها و ارگان‌های داخلی را بجا می‌دانید؟**

قطعاً سیاست خارجی کشوری مانند ایران و آینده مهم‌ترین یا یکی از مهم‌ترین برون‌ده‌های دیپلماتیک جمهوری اسلامی یعنی برجام را یک رسانه، روزنامه و خبرگزاری‌ها، حال وابسته به جریان سیاسی و هر نهادی که معلوم نیست کسیان در پشت پرده آن قرار دارند، نباید و نمی‌تواند تعیین کند. وزارت امور خارجه خود یک دستگاه عریض و طویل

● **عبدالرحمن فتح‌اللهی؛** بعدازظهر جمعه، سلمان رشدی در یک مراسم سخنرانی در نیویورک از سوی فردی به نام «هادی مطر»، ۲۴ساله ساکن نیوجرسی مورد حمله قرار گرفت. فارغ از ابعاد و زوایای این اقدام و شخصیت سلمان رشدی آنچه مهم جلوه می‌کند، ارتباط این اقدام با احیای برجام است. شاید در ظاهر بین این دو مسئله ارتباطی وجود نداشته باشد؛ اما واکنش‌ها و اظهارنظرهای برخی افراد و رسانه‌ها، هم در داخل کشور و هم در آمریکا طی ۴۸ ساعت گذشته سبب شد که بین حمله به سلمان رشدی و احیای برجام ارتباط معناداری شکل بگیرد. از یک سو برخی رسانه‌های ایالات متحده در گام اول سعی در ارتباط‌دادن مطر با جمهوری اسلامی داشتند؛ گمانیکه روزنامه نیویورک‌پست که یک رسانه دست‌راستی و حامی ترامپ در این شهر (نیویورک) است، به نقل از منابع امنیتی گزارش داد: «بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد هادی مطر، فرد مهاجم به سلمان رشدی پیش‌تر در رسانه‌های اجتماعی مطالبی را در حمایت از برخی ارگان های ایران منتشر کرده است». اینها علاوه بر آن است که ان بی‌سی‌نیوز به نقل از یک مقام پلیس و با اشاره به حساب‌های ضارب سلمان رشدی در شبکه‌های اجتماعی نوشت: «او از حامیان اهداف افراط‌گرایی بوده است». این شبکه افزود نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد به درخواست اظهار نظر درباره حمله به سلمان رشدی پاسخی نداده است. در گام بعدی همین فضاسازی‌هاست؛ در آمریکا سبب شد شاهد واکنش مقامات ایالات متحده و ارتباط‌دادن حمله به سلمان رشدی با برجام و بیرون کشیدن تام کاتن، سناتور جمهوری خواه، در واکنش به حمله به مسلمان رشدی با اتهام‌زنی به ایران گفت: «در ایران چند دهه‌است که خواستار کشتن سلمان رشدی بوده‌اند. می‌دانیم که آنها برای ترور ما‌ها آمریکایی نیز تلاش می‌کنند. جو بایدن باید هرچه سریع‌تر مذاکرات احیای برجام را با تهران پایان دهد». در روی دیگر سکه نیز برخی سیاسیون و فعالان رسانه‌ای در ایران هم وقوع این دو مسئله را چندان بی‌ارتباط نمی‌دانند. چنان‌که عباس عبدی فعال سیاسی در توپینتی نوشت: «اهل نظریه توطئه نیست؛ ولی تصادفی بودن هم‌زمانی خبر برنامه‌ریزی برای ترور بولتون و ترور سلمان رشدی با نهایی شدن گفت‌وگوهای احیای برجام برای من باورناپذیر است». دراین بین مهم‌ترین اظهارنظر به محمد مردنی بازمی‌گردد. مشاور تیم مذاکره دولت رئیسی هم در توپینتی عنوان کرد: «من برای نویسنده‌ای که نفرت و تحقیر بی‌پایان نسبت به مسلمانان و اسلام را به همراه داشته است، اشک نمی‌ریزم. او یک بازیچه امپراتوری است که به‌عنوان یک رمان‌نویس بااستعماري ظاهر شده است؛ اما آیا عجیب نیست که با نزدیک شدن به توافق هسته‌ای احتمالی ، آمریکا ادعاهایی درمورد تلاش برای کشتن جان بولتون مطرح کرده و اکنون این اتفاق می‌افتد؟ (ترور رشدی)». البته این موضع مردنی چندان بی‌حاشیه نبود. در این زمینه سید سعید سلیمان لوانسانی، از موضع مشاور تیم مذاکره درباره ترور رشدی انتقاد کرد. امام جمعه سابق لوسان در توپینتی نوشت: «سلمان رشدی مرتد است و به حکم حضرت امام باید اعدام شود؛ بنابراین اتفاق خوبی افتاده است. حالا آقای مردنی نگران برجام شده است؟ اگر یک ذره عقل سیاسی داشته باشد، حواسش را جمع می‌کند که سخنان نامربوط نزند. انقلابی خوشحال است، نه نگران». نکته مهم‌تر اینجاست که ۴۸ ساعت پیش از حمله به سلمان رشدی، ایالات متحده در بیانیه‌ای از تلاش ایران برای ترور جان بولتون، مشاور امنیت ملی دولت دونالد‌ترامپ، مایک پمپئو، وزیر امور خارجه سابق آمریکا و دیگر مقاماتی که در ترور سردار سلیمانی نقش داشتند، سخن گفت؛ اما فارغ از اظهارنظرهای سیاسی و رسانه‌ای، چه در داخل ایران و چه در آمریکا آیا به واقع بین ترور سلمان رشدی و ادعای تلاش ایران برای ترور جان بولتون، مایک پمپئو و دیگر مقامات دولت دونالد‌ترامپ با احیای برجام ارتباطی وجود دارد؟ اگر این ارتباط وجود دارد، چگونه ارتباطی است؟ این ترورها در راستای احیانشدن برجام است یا فشار به ایران برای پذیرش متن توافق کنونی؟ پاسخ به این سؤال‌ها و پرسش‌هایی از این دست، محور گفت‌وکی و «شرق» با دیاکو حسینی است. آنچه در ادامه می‌خوانید حاصل کپ‌وکتف با این تحلیلگر ارشد مسائل بین‌الملل و کارشناس پیشین مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری است که از نظر می‌گذرانید.

● **آن‌گونه که در آمریکا کسانیی مانند سناتو‌ر تامن یا رسانه‌هایی مانند ان بی‌سی‌نیوز و روزنامه نیویورک‌پست یا برخی شخصیت‌های داخلی نظیر محمد مردنی، مشاور تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای، عباس عبدی و… عنوان کرده‌اند، بین ترور سلمان رشدی با برجام ارتباط احتمالی وجود دارد. آیا شما قائل به وجود چنین ارتباطی هستید؟** واقعیت ماجرا اینجاست که ما به جز اسم فرد حمله‌کننده چیزی بیشتر درخصوص اهداف و نگاه او برای ترور سلمان رشدی نداریم؛ هنوز کسی نمی‌داند که این فرد چه نوع ارتباطاتی داشته؛ اما آن چیزی که قطعی است، آن است که تنها برخی جریان‌های افراطیی مخالف احیای برجام در داخل آمریکا و دیگر کشورها و در رأس آنها اسرائیل این‌انگیزه را دارند که هر اتفاقی بی‌ربط یا باربطی را به برجام ارتباط دهند تا بتوانند مانع از احیای توافق هسته‌ای بشوند. به‌خصوص در این بازه زمانی که امکان حصول توافق پررنگ‌تر از گذشته شده است. بنابراین اسرائیل سعی می‌کند از هر مسیری که شده ایران را بدنام کند تا بتواند از این طریق باعث افزایش فشار به جمهوری اسلامی یا هدف توقف گفت‌وگوها شود. پس این سناریو احتمالی- تأکید دارم احتمالی- وجود دارد که مخالفان برجام در سایه آخرین تلاش‌ها برای احیانشدن برجام ترور سلمان رشدی را هم به ایران ارتباط دهند تا از این طریق با فشار به بایدن مانع از حصول توافق بشوند. این سناریو به‌هیچ‌وجه بعید نیست. همان‌گونه که اشاره کردید و ما هم می‌بینیم، طیفی از جریان‌های تندرو داخل آمریکا و رسانه‌ها آنها سعی دارند فرد ضارب و ترور رشدی را به جمهوری اسلامی ایران ارتباط دهند.

● **اما بسیاری معتقدند درست برخلاف سناریوی شما باید این سناریو را در نظر گرفت که اساساً هدف از فضاسازی سیاسی و رسانه‌ای علیه ایران در سایه ترور سلمان رشدی اتفاق، نه احیانشدن برجام، بلکه فشار به ایران برای پذیرش هرچه سریع‌تر متن توافقی است که از سوی اتحادیه اروپا تنظیم شده است؛ مبین این گزاره تحلیلی هم به امتیازاتی بازمی‌گردد که اتحادیه اروپا و حتی آمریکایی‌ها حاضر به دان آن به جمهوری اسلامی ایران هستند. دراین راستا علاوه بر ادعای رسانه‌ای اول‌المرتبه ژورنال مبنی بر دادن امتیازات گسترده به ایران در حوزه پادمانی به‌تازگی پولیتیکو با استناد به متن پیشنهادی اتحادیه اروپا که گزیده‌ای از آن را مشاهده کرده، گزارش داد این متن پیشنهادی تحریم‌های آمریکا علیه سایه پاسداران را کاهش می‌دهد و راه‌آبرای جلوگیری از بازرسی بیشتر سایت‌های اتمی مشکوک ایران هموار می‌کند. طبق گزارش پولیتیکو براساس این متن پیشنهادی حتی شهروندان غرب‌آمریکایی اجازه دارند که با شرکت‌های ایرانی که حتی با سایه پاسداران معامله‌اتی دارند، به تجارت خود ادامه دهند، به شرط آنکه این شرکت‌های ایرانی در فهرست تحریم‌های آمریکا نباشند. هرچند این ادعای پولیتیکو با واکنش راب مالی مواج شده؛ اما شما این سناریو را تا چه اندازه نزدیک به واقعیت می‌دانید؟**

همان‌گونه که در پاسخ به سؤال نخست مطرح شد، سناریویی که به آن اشاره کردم، یک «سناریو احتمالی» است؛ بنابراین آنچه شما هم ذیل یک سناریوی دیگر مطرح کردید می‌تواند یک سناریوی احتمالی دیگر باشد. ازاین‌رو نمی‌توان با قطعیت گفت که کدام سناریو نزدیک به واقعیت است؛ آیا از طریق مانور سیاسی و رسانه‌ای روی ترور سلمان رشدی به دنبال فشار به دولت بایدن یا هدف عدم احیای برجام و حصول توافق در وین هستند یا برعکس خواهان فشار روانی بیشتر به ایران برای پذیرش هرچه سریع‌تر توافق؟! ● **در یک سناریو لوژی نهایتاً شما کدام سناریو را درست‌تر می‌دانید؛ سناریوی خودتان یا سناریویی که من برای شکل گرفتن بحث طرح کردم؟**

اگر بپذیریم که بین ترور سلمان رشدی و برجام ارتباطی وجود دارد که قبول آن جای سؤال و اموالگر زیادی دارد، من معتقدم همان سناریوی نخستی که در سؤال اول‌تان به آن اشاره داشتم، بیشتر نزدیک به واقعیت است؛ یعنی مخالفان احیای برجام در داخل آمریکا و همچنین در اسرائیل سعی می‌کنند با مانور سیاسی و رسانه‌ای ترور سلمان رشدی و ارتباط‌دادن این ترور به جمهوری اسلامی ایران عملاً دولت بایدن را تحت فشار قرار دهند که از توافق با ایران دست بردارد.

● **به اتفاق مشابه دیگری بپردازیم؛ ۴۸ ساعت پیش از ترور سلمان رشدی در چهارشنبه هفته گذشته وزارت بهداشت ایالات متحده در بیانیه‌ای ادعا کرد فردی به نام شهرام پورصفی وابسته به ایران برای ترور جان بولتون، مشاور امنیت ملی دولت ترامپ و همچنین مایک پمپئو، وزیر سابق امور خارجه آمریکا اقدام کرده که سبب جریان سازی سیاسی و رسانه‌ای علیه ایران شد؛ این هم در شرایطی که تهران به دنبال بررسی جزئیات متن توافق ادعایی اتحادیه اروپاست. طرح این ادعا با چه هدفی صورت گرفت. آیا این مسئله ارتباطی به برجام دارد؟**

برخلاف آنچه در مسئله ترور سلمان رشدی وجود داشت و ما تصاویر و عکس‌های آن را دیدیم، درخصوص ادعای ترور جان بولتون، مایک پمپئو و دیگر مقامات دولت ترامپ فقط یک بیانیه از سوی مقامات آمریکایی مطرح شده است؛ بنابراین نمی‌توانیم بگوییم که واقعا چنین تلاشی برای ترور این افراد وجود داشته است یا خیر.

● **با این حال اگر نهایتاً بپذیریم چنین تلاشی برای ترور بولتون وجود داشته است، آیا به برجام ارتباط دارد؟ هم‌زمانی وقوع این دو مسئله نیکو نیست؟**

واقعا حداقل برای من مشخص و قطعی نیست که چنین تلاشی برای ترور بولتون وجود داشته است یا نه؛ این بی‌شخص نمی‌توان گفت که بین ادعای وجود تلاش برای ترور جان بولتون و مایک پمپئو از سوی جمهوری اسلامی ایران و احیای برجام ارتباط مستقیمی وجود دارد. اگر چنین ارتباطی وجود داشته باشد، پیرو نکته قبلی معتقدم طرح این ادعا هم با هدف فشار به دولت بایدن برای عدم توافق و احیای برجام با جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است. دراین‌بین آن چیزی که برای من قطعی است، آن است که زمانی که مقامات دولت ترامپ آن تصمیم و اقدام را برای به شهادت رساندن سردار سلیمانی انجام دادند که بی‌شک یکی از اشتباه‌ترین اقدامات ایالات متحده آمریکا در ۳۰ سال گذشته است، باید توقع و انتظار این واکنش‌ها را هم می‌داشتند که به هر حال طرفداران سردار سلیمانی دست به اقداماتی برای گرفتن انتقام این ترور و خون‌خواهی او بزنند. با وجود آنچه گفته شد، من معتقدم چه اقداماتی که پیش‌تر برای ترور بولتون و دیگر مسئولان دولت ترامپ صورت گرفته یا ادعای اخیر مقامات آمریکایی یا حتی اقداماتی که احتمالاً در آینده برای این افراد صورت خواهد گرفت، الزاماً به ایران ارتباط ندارد؛ یعنی وجود تلاش برای ترور بولتون، پمپئو و… لزوماً به این معنا نیست که این اقدامات به دستور مستقیم ایران شکل گرفته باشد.